پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۷– اسد ۱۳۴۷

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

بحران درسیستم پیمانهای نظامی امپریالستی

بازوال سیستم استعماری امپریالیزم، کشور های امپر یا لستی بخا طر حفظ موا ضع اقتصا دی وسیا سی خو یش در مستعمرات وکشور های وابسته سابق وبمنظور جلو گیری از توسعه وتعمیق جنبش های آزا دی‌بخش ملی در کشور های نوبه‌آزادی‌رسیده آسیا وافر یقا ودر اخیر بغر ض مبارزه علیه نفوذ روز افزون قدر ت اقتصا دی وسیاسی سیستم جهانی سو سیا لیزم ، دست بـه‌تاسیس پیما نهای تجاوز کا رانـه نظامی زدو باساس آن شبکه ها ی‌وسیع ازپایگاه های نظامی ومخابراتی (استخبا راتی) رادر نقاط مختلف‌جهان با لخصو ص آسیا ، اروپا ، افر یقا وکشور های شامل حوزه‌بحرا لکا هل بو جود آورد .

پیمان اتلا نتیك شما لی (ناتو)دراروپا ، پیمان بغداد (اکنون سنتو) در شرق میا نه ، پیما ن (سیتو) درجنوب شرق آسیا وپیمان (آنزوس) در حوزه بحرا لکا هل از جملـه پیما نهای‌نظامی ایست که‌بسر کردگی دول بزرگ امپر یالستی منبع‌هرنوع‌تجا وز ، تفتین وا عمال جا سو سی وتخر یبی علیه جنبش آزا دی‌بخش‌ملی کشور های آسیا وافر یقاوادیگر نهضت های مترقی دوران ماوکشورهای صلحدو ست بوده اند . از راه همین پیمانهاست که‌دو ل‌امپریالستی‌در امور داخلی مستعمرات سا بق بخصو ص آن عده از کشور ها یـی که‌راه ترقی اجتماعی را تعقیب واز سیاست بیطر فی وهمز یستی‌مسالمت آمیزپیروی مینمایند، مداخله وصلح را بسو یه جهانی ومنطقوی تهدید میکنند .

اعتلای جنبش آزا دیبخش ملی ونز دیك شد ن هر چـه بیشتر شکست قطعی سیستم استعماری ،امحاء وریشه کن کر دن کا مـل بقا یای آن از جا معه بشری ، تغییرروز افزو ن تناسب قوا در عر صه بین ا لمللی بنفع‌نیرو های صلح‌وترقی‌وتبدیل شدن آن به نیروی قاطعـی در تکامل جامعه انسانی ، بحران شد یدی در سیستم پیما نهای نظامی امپر یا لستی بو جود آورده است .

مبا رزات‌ضد امپر یالستی‌خلقهای کشور هـای نوبه‌آزادی رسیده‌وتقویه موا ضع نیرو های وطنپر ست ودمو کرا تیك ضدامپر یا لستی‌دربن کشور ها ، حتی حکو مـت هـا ی هوا خواه‌امپر یالیزم رادر کشورهای مذ کور مجبور مینما ید تـا تعهدات خود را در برابر پیما نهای نظامی غرب مورد تجدید نظر قرار دهند . ودر زیر فشار شدید افکار عا مـه وتاثیر مبا رزات وطن پرستا ن‌قسماً از اجرای‌تعهدات نظامی در برابراین پیما نها سر پیچی نمایند . چنانچه زمزمه پیروی‌از سیاست «مستقل‌ملی» در محافل حاکمه ایران وعدم‌اشتراك پا کستان (که عضو پیمان سیتو و سنتو میبا شد) در جنگهای ویتنام بنفع امر یکا وهکذا جدایی فرانسه ازین جنگ ها واعلان عدم اشتراك آن در جلسات نظامی پیمان ناتو و بیرون کشیدن قوای مر بوط به‌پیمان مذکور از خاك فرا نسه موید ایـن حقیقت است .

همچنان درین اوا خر موج‌عظیمی از احسا سات ضد پیما نهای نظامی بخصو ص‌ناتو وسنتو سراسرترکیه را فرا گرفته است . در شهر ها ی بزرگ آنکشور از قبیل انقـره ، استا نبول ، ازمیر وغیره مظاهرات بزرگی برضد مو جودیت پایگاه‌های نظامی وعسا کر امر یکایی در ترکیه در جر یان است . مظاهره چیان برضد عضو یت ترکیه در پیمانهای نظامی شعار می دادند وبپیمان های ناتو وسنتورا «آله دست امپریالیزم» می خوا ندند . در جمله شعار ها ی تظاهر کنند گان خروج امر یکائیان از ترکیه واینکه‌ترکیه مال ترکهاست نیز بنظر می خورد .

در وقت انتخا بات اخیر تر کیه یك هفته را بنام هفته مبارزه ضد ناتو در سر تاسر آن کشور برگذار کردند. اشتراك کنندگان این مبارزه اخراج ترکیه را از پیمان اتلانتیك شمالی وتجدید نظر بر موافقت‌نامه‌ های دو جانبه بین امر یکا و تر کیه ومنع قرار دادن ورود کشتی ها ی جنگی امر یکا به بنادر تر کیه‌تقاضا می کردند . در ختم هفته مبارزه‌ضد پیمان ناتو رئیس اتحادیه محصلین پو هنتون تخنیکی استا نبول اظهار داشت : « ما بخاطر استقلال خودبر پیمان اتلا نتیك شمالی ، به(۵۴) معا هده دو جانبه با ایالات متحده امر یکا و(۱۱۰) پا یگاه نظامی‌خارجی (نه!) میگو ییم. گرچه هفته ضدناتو پایان یافت ولی مبارزه علیه نا تو تااخراج ترکیه‌از پیمان ناتو ادامه خوا هد یافت ».

گستر ش‌احسا سات ضدپیمانهای نظامی در کشور های مر بوط بـه یـك امر تصا دفی نیست . جنبه تجا وز کا رانه پیما نهای نظامی از آغازامر معلوم بود. این پیما نها نه‌تنهاباعث تحریك جنگ سرد ، خرابی‌مناسبات بین ا لمللی ومانع همکاری مثمر بین المللی بنفع انکشاف کشور های عقب مانده عضو پیمان ها گر دیده ، بلکه تجاوز صریح برحق حا کمیت ملی کشور های کوچك وکشور های روبه انکشاف ووابسته این‌پیمانهـا نیز محسوب میگردد .

پیما نهای نظامی بسر کر دگی دول امپر یالستی استقلال ملی‌کشور‌ های شامل پیما نرا سخت جریحـه دار نموده است . واین ما هیـت امپر یا لستی وضد جنبشها ی آزا دیبخش ملی پیما نهای نظا می است که وجودآنها را برای کشور‌ های منسو به غیر قابل تحمل ساخته است. اکنون نیت اصلی امپر یالستها وهوا خوا هان مر تجع آنها در بـه وجود آوردن پیما نهای تجاوزکارانه نظامی که زمانی آنرا در پس پر ده «دفاع از آزادی‌وجهان آزاد» پوشانده بود بهمه ملت ها وخلقهای آسیـا وا فر یقا رو شن شده است . آنها مبارزه در راه آزادی ودمو کرا سی وتر قی اجتماعی را جزء لاینفـك مبارزه علیه امپر یالیزم وسیاست جدید استعماری‌آن‌در وجودپیمانهای گونا گون نظامی ،سیاسی، اقتصادی وغیره میدانند وباین عقیده اند که ترقی بدون مبارزه بی امان علیـه امپر یالیزم وکلیه مظا هر آن امکان پذیر نیست .

اعتراض ماموران پائین رتبهٔ

بانك ملی افغان

در ین اواخر یك عده از ما موران‌پائین ر تبه بانك ملی افغان، بخا طر دفاع از حق دا شتن مسکن بر ای‌خو یش، اجتما عی تشکیل دا دند. مو ضوع مورد بحث در اجتماع‌مذکوراین بود که :

درسال ۱۳۲۸ بانك ملی افغان‌بنام‌یکعده از ما موران بیخانه از طر یق بنار والی کابل، به موا فقه کسه‌عمرانی سابق، ساحهٔ و سیعی ا ز زمینهای کنار دریای چمچه مست راحاصل و آنرا به نمرات مختلفی تقسیم کرد و خا نه های ارزان‌قیمتی برآن بنا نمود. این خا نه ها به‌موافقه مامورین بی سربناه بانك، به اقساط‌بیست و پنج سال به ما مو رین مذکور داده شد واقساط آن در طو ل‌سالهای متمادی از معا شات ماهوار آنان وضع‌می گردید و باین اساس‌مامورین متذکره استحقاق خود رادر بنار والی کابل و کسه عمرانی نیزاز دست دادنـد و بـه همین قدر دلخو ش کردند و قناعت نمودند.

این زمینها که جزء ملکیت عا مه‌بشمارمیرفت، بنام مامورین با نك در عوض حق مسلم شان، بدسترس‌بانك گذارده شده بـود و منـازل مذکور براساس موا فقت طر فین‌معامله (بانك و ما موران بیخا نه) برای آنان اعمار گردید و در اختیارایشان گذاشته شد . امابعدآکه‌قیمت زمین و خا نه در این گو شه شهر از تقا حاصل کرد، بانك ملی بنابر خصو صیت سودجو یانهٔ خو یش، باعمال قدرت مالی و نفوذ خود در تلاش افتاد تا سود دیگری به قیمت‌بیچار گیها و آوارگیهای یکعده ا ز مامورینهای کار مند بانك که سا لهاعرق ریختند و زحمت کشید ند و عده‌ئی هم در گذشتند و یتیمها ئی‌از خود بجا گذا شتند، بر سود های فرا وان خود بیفزاید . بنا برآن ازافرا د هـای نخستیـن سر باز زد وماموران بیچاره را وا داشت تابرای‌احقاق حق مسلم خو یش درین زمینه بمقا مات بالاتر مرا جعه کنند، و امابا وجود اینکه مقا مات مر بـو ط حکو مات گذشته، بکرات و بعد ازتحقیقات فرا وان و تعیین کمیسیون و غیره ادعای ما مورین را تائیدکرده‌وا خیراً مشه را نـو جـر گـه نیز حق‌آنان‌رامورد تائید قرار مید هد ،مقام مسؤول بانك ملی کو چکتر ین خمی به ابروی مبارك نـمیز نـد وعلی رغم اسناد و فیصله هائی که به نفع ماموران پائین ر تبه بانك وجوددارد، بروی تمام تعهدات قبلی خود، پامیگذارد، که‌این‌خود گواه‌دیگریست برا ثبات این ادعا که چگو نه‌قدرتهای مالی در کشور مغـرور و متکی‌بر سر ما یه های مالی بزرگی که از طریق استثمار خلق بی دفاع کشو رگرد آورده اند میتوانند برای حفظ منافع وانکشاف ساحهٔ سو د ها ی‌کلان خویش پا بلند هیچگو نه‌مقررات و تعهداتی نباشند .

تذکر: کلمه «ملی» در اسم بانك‌ملی‌افغان به معنی علمی ووا قعی آ ن‌بکار برده نشده است ، بلکه اسا ساً «بانك ملی افغان» بانك خصو صی صاحبان اسهام بزرگ و متنفذ ین‌کشور می با شد، نه یك با نك‌ملی مربوط به **سکتور عامه.**

فریاد اعتراض دهقانان

ولسوالی پغمان

بناپر عدم حل مسأله ارضی ، جرقه هاو مخالفت ها و اعتراضات دهقانان کم زمین وبی زمین علیـه ملاکان غاصب از هر طرف کشو ر بلند است .

طوریکه خبر یال پـر چم اطلاع میدهد : در همجواری شهر کابل‌نیز چندی قبل اعتراضات شدید دهقانان واهالی و لسوالی پغمان بالای زمین زراعتی وسیعی (تقریباً پنجهزار جریب زمین که شش قریه را در بر میگیرد) که سا لها از طرف ملاکین وبورژ وابیرو کرات متنفذی غصب شده بود ، وسیعاً بلند گـردیـد . دهقانان واهالی پغمان در اثر رشـد نسبی نهضت دمو کراتیك وبیداری شعور طبقاتی در کشوربعداز عرایض متعددی که به حکو مت سپـردند ، با لا خره تصمیم گر فتند کـه‌متحداً زمین غصب‌شده خویش را دو باره تصرف نمایند و در برابر متنفذ ین محلی و حکومت به صورت مسا لمت آمیز از خود مقاومت نشان دهند .

اکنون زمین ها علی رغم دسایس متنفذین بیروکرات بهمکاری‌حکومت، عملا در «ملکیت» دهقانان واها لی ولسوالی پغما ن قرار دارد ، ولـی نتائج نهائی این اقـدام «مشروع» و شجاعانهٔ دهقا نان زحمتکش‌ولسوالی پغمان تاکنون معلوم نیست .

پرچم: تا اصلاحات‌اساسی ارضی رااجرا نگردد، نمیتوان‌دعاوی ارضی رادر تحت نظام اقتصادی اجتماعـی فر توت مو جود در کشور حل‌کرد. راه نجات توده های عظیم دهقانا ن حل دمو کراتیك مسأله ارضی ،بنفع دهقانان و باشتراك‌دهقانان‌زحمتکش ونجیب کشور است !

....

نظر مجله (انتر نیشنل افیرز) را جع به‌نیم قر ن دو ستی افغا نستان واتحاد شوروی

مجله ما هانه «انتر نیشنل افیرز» شوروی در شمارهٔ ششم سال جاری خود مینو یسد :

امسال (۱۳۴۷) افغانستان بـرای تجلیل پنجاهمین سالگرد استقلال خویش آ مادگی‌میگیرد وپیمان‌دوستی بین‌افغانستان وشوروی که‌با اشتراك مستقیم لینن در سال (۱۹۲۱) طرح و امضاء گردید،اولین پیمان‌مساویانه بین افغانستا ن ویك قدرت بزرگ بود .

لینن به رئیس دولت افغانستان نوشت: «موافقتنامه بین حکومات ما، دو ستی‌وهمدردی متقابله را که‌اکنون از دو سال باینطرف بین افغانستان‌و رو سیه انکشاف کرده است فورمول بندی‌کرد... همسایه شمالی دو لت عمالیه افغانستان، شوروی است که دست دو ستی‌وبرادری‌رابه تمام‌مردم در شرق وبالاتر از همه به مـردم افغانستان دراز کرده است» از آن‌ وقت به بعد جهان شا هد اجرای‌کامل اصولی‌لینینی‌سیاست خارجی‌بصورت عمومی‌وبخصوص‌سیاست‌روابط حسن همجواری وپشتیبانی همه جانبه از رشد مستقل اقتصادی افغـانستان بوده است .

افغانستان اقتصاد ملی‌خودرا رشد میدهد تابرای‌استقلال سیاسی‌خویش بنیاد مستحکمی‌بوجود آورد، پلانهای پنجساله انکشافی در افغا نستا ن‌از ۱۹۵۶ باینطرف به پیش میرود . متخصصین شوروی‌ازراه‌کشف‌ذخایر غنی ذغال سنگ، ذخایر آهـن‌خام باکیفیت عالی (۲۰۰۰ میلیون تن)، گاز طبیعی بیش از (۷۰ هزار ملیون‌متر مکعب) ودیگر معدنیات در اجرای‌این پلانها کمك نمودند .

افغانستان بکمك اتحاد شوروی بیش از هزار میل سرك درجـه اول موتر رو، چندین دستگاه برق‌بشمول دستگاه بزرگ بـرق آبی نغلو کـه باندازه .مجموع تولید تمام فابریکات برق افغانستان برق میدهد سا خته است.

اولین فابریکه فلزکاری در جنگلك بکار اندا خته‌شد و میدانهای‌هوایی، تا سیسات آبیاری وپروژه های دیگر بپایه پایه تکمیل رسیده است .

معاونت های اتحاد شوروی‌شصت وپنج‌فیصد تمام کمکهای خارجی راکه افغانستان از ۱۹۶۲تا ۱۹۶۷ بدست آورده احتوا مینماید. در فبـروری ۱۹۶۷ موافقتنا مه همکاری اقتصادی وتخنیکی برای پلان پنجساله سوم افغانستان (۱۹۶۷ الی ۱۹۷۲) بین مملکتین با مضاء رسید. پیش بینی میگردد که سهم شوروی که هم‌اکنون از (۳۴۰) ملیون ربل بیش تر شده است ، اضافه از نصف تمام قرضه ها وکریدت ها خوا هد بود. اتحاد شوروی در انجام مطالعـات بیشتر جیو لو جیکی و در ساختمان او لین فابریکه کیمیاوی برای تو لیـد کود مصنوعی ویك دستگاه برق درمزار شریف کمك خوا هد کرد. استخراج گاز طبیعی افزایش یافته و قسمتی از آن به آسیای مر کـزی شـوروی تو سط پایپ لین انتقال داده میشود، صدور گاز به اتحاد شـور وی بین **سالها ی ۱۹۶۷ و۱۹۸۵ به شصت هزار ملیون متر مکعب خواهدرسید واین مقداریست‌که قیمت تمام‌کریدت ها و مال‌التجاره اتحاد شوروی راکه طبق موافقتنامه های تجارتی‌خریداری میگردد اعاده خواهد کرد .**

همکاری افغانستان وشـو رو ی منحصر بساحه اقتصـا دی نیست، بلکه هردو کشور در بسیاری‌مسایل حاد ز مان ما نظر یات مشا بهی‌داشته اند .

مو قف افغانستان جهت قطع‌فوری تجاوزامریکاعلیه جمهوری‌دموکراتیك ویتنام و دادن فرصت به مردم ویتنام که آینده خود را خودتعیین نمایند، محکوم کردن قاطع تجاوز اسرائیل علیه دولت هـای عربی وحمایه از تقاضای تا مین صلح در شر ق میانه و امحای استعمار، پرستیژ افغانستان را در جهان بلند برده است‌ودوستی آنرا با اتحاد شـوروی مستحـکم مـی ساز د .

دو ستی‌افغانستان‌واتحاد شوروی برای بسیاری از کشور های آسیایی نمونه شده است .

باید کـارگران باشهامت و وطنپرست شرکت سپین زرقندز بدون قیدوشرط

از زندان آزاد شوند !

مقام خود سر ولایت قندز علی رغم حقوق و آزادیهای مصر حه درقانون اساسی ،فتنه انگیزانه هایی چهار نفر از کار گران شجاع ووطنپرست فابریکه سپین زرقندزرا مقیدومشروط به« خط» دادن نموده است کـه در آینده بحیث سلاح تهدید (شانتاژ) علیه آنان بکاربرده شود. طبق‌اطلاع، محتویات این قـیـد و شرط صریحاً مخالف فصل سوم قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر و کرامت انسانی میباشد .

کار گران ، روشنفکران و شهریا ن شهر قندز نسبت باین شیوه سیاه استبدادی و ضد قانونی انز جا ر و تنفر عمیق‌خویش را اظهارداشته‌اند. باید باطلاع عموم رسانیده شود که هر گونه قید و شرط کتبی و شفاهی خلاف قانون وآزاد یهای مصرحه در قانون اساسی (ماده ۲۶) که ازطرف حکومت ویا هر مقامی که باشد بالای افراد به زور وعنف واکـراه تحمیل گردد، قابل ارزش وقبول نیسـت .

باید کار گران نگذارند که فتنه ـ انگیزی ونفاق وبی اعتمادی درمیان شان راه‌یابد!باید اتحاد وهمبستگی خودرا چون مردمك چشم خویش حفظ کنند!

باید چهار نفر کار گر شرافتمند و وطنپرست دیگر سپین زر شرکت (امین کار گر تیل کشی ،عبدالرحمن حلبی ساز ، شهزاده کار گر ریخته‌ گری حضرت امام و نصیراحمد کارگر برق) بدون قید و شر ط ، با حفظ حق کارآنان‌درسپین‌زرشرکت اززندان آزاد گردند !

طبق یك خبر دیگر ریاست سپین ـ زر شرکـت با استفـاده از شیـوه قانون شکنی وبی اعتنائی به حقو ق کار گران، محمدآصف‌وعبدالمؤمن کارگر و(محمد حکیم ، محمد رحمن‌ومحمد ـ عزیز کار گران را که اشتباهاً در شماره قبل پرچم زندانی اعلان شده بودند) وهشت کار گر دیگر راخلاف قانون از کار اخراج کرده اند .

این عمل کار فرمایان مغرورومستمگر سپین زر شرکت که مخالف قانون کار و کارگر صورت میگیرد ، جـدا تقبیح میگردد وافکارعمومی کارگران نسبت‌باین رویه جداً ! عترا ض می نماید . باید مقامات حکومتی وکار فرمایان استثمارگر متوجه باشند که عواقب ناشی از این اعمال خلاف قانون ، بعهده خود آنان خواهد بود وخلق کار گر کشور از حقو ق و آزادیهای قانونی‌خویش دلیرانه دفاع خواهند کرد !

تصحیح: درشماره گذشته اسم‌باشی عبدالستار کارگرکه از جمله‌زندانیان بود واکنون آزاد گـردیده است ، اشتبا هاً از نشر باز مانده بود .

از (ص۲)

آزادی انسان ...

موقف مساویانه دارند. حقوق و آزادیهای شخصی‌با حقوق وآزادیهای عامه وفق داده شده ویکی مغایر دیگر واقع نمی گر دد وارادهٔ توده های مردم در تمام‌اموروشئون حیات‌مسلط است وقضات بر اساس حق‌انتخابات عمومی، مستقیم و مساویانه به آراء مخفی از طرف ا هالی منطقه بـرای مدت معینی انتخاب میگردند وهرگاه یکی از اینها نسبت به حقوق مردم سهل انگاری ویاتعدی نماید فوراً دیگری در عوض وی انتخاب میشود. رسیدگی به دوسیه‌های‌متهم‌در محاکم خلق به طور علنی انجام می پذیرد و حق دفاع متهم کا ملا تا مین میشود. در چنین شرایطی است که اصل حقوق وآزادی های اساسی مردم و «کرامت انسانی» بصور ت واقعی و همگانی تا مین میگردد .

ما معتقدیم که مردم‌درصورتی می ـ توانند از حقوق وآزاد ی های خود به شکل مؤثر مستفید گردند که در برابر خود سری های مخالف نصوص آزادی وحقوق انسانی که حق طبیعی وانفکاك ناپذیر افراد می بـاشد، به صورت بیگیرددفاع‌نمایندودر شرایط مو جود قدرتهای دمو کراتیك و ملی میتوانند حقوق وآزادی های اساسی مردم را با ایجاد واصلاحات عمیق اقتصادی‌ـ اجتماعی ووضع وتطبیق قوانین عاد لانه ومتر قی جزایی،مدنی وغیره تضمین نمایند .

از (ص ۳)

حقایق وارقامی چند ...

و درزندگـی اقتصادی و اجتما عـی‌ونهضت رهائی‌بخش‌ملی ودموکراتیك کشورها بازی مینماید. «ازینجاست‌که نیروهای ترقیخواه و طنپرست، نیروهای دموکراتیك خلق بـمثابـه‌پیشآ هنگ طبقه ز حمتکش کشور، بغرض افزایش نقش ر هبری کننده‌طبقه کارگر، باید کار دامنه داری را درراه ارتقای شعور سیاسی‌وطبقاتی‌آنها ودرراه‌سازماندهی آنهاو‌بالاخره درراه ترویج وتبلیغ ایدئولوژی طبقه‌کارگر ایفا کنند».

غرض مـزید معلومات جهت در ك‌مقام طبقه کارگر درتمام شئون حیات وجامعه ونقش خلاق و سازندهٔ آن‌بمقاله «طبقه جوان‌کارگر پیشروترین نیروی اجتماعـی کشور » منتشره‌درشماره پنجم جریده «پرچم»مراجعه نمایند. بقیهٔ اینموضوع در شماره‌آینده تقدیم میشود .

پرچم
هر دو شنبه خپر یږی
دتاسیس کال : د۱۳۴۶ (کب) .
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان (لائق)
آد رس : غوثی مار کیټ ، محمدجانخان وا ټ. کابل ، افغا نستان
دولتی مطبعه

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره (بیست ویکم) دوشنبه ۷ اسد ۱۳۴۷ ه ۲۹ جولائی ۱۹۶۸ ع

پیگیری و دلیری در مبارزه ضامن پیروز یست !

از نخستین جرقه های مبارزه درراه مشرو طیت وا ستقلال بیش‌از نیم قرن میگذرد. ازآنتاریخ تا کنون‌در چندین‌مرحله‌مبارزات آزادیخواهی وملی کشور ما نشیب وفراز هـا ی‌فرا وانی را دیده وراهی بس طولانی راپیموده است‌که مشحون‌ازشکستهای‌موقتی وپیرو زی های پر افتخاربوده است .

درین مدت‌تغییرات عظیمی‌درجهان،وهمچنا ن بصو ر ت نسبـی در افغا نستان بـوجود آمـده است .انهدام فا شیسم و ملیتا ریسم‌جاپان در دومین جنگ جهانی ، نیرو مندی‌سو سیا لیسم وتبدیل آن به یـك سیستم جها نی ، تشدید وتعمیـق‌بحر ان‌های سر مایه داری جهانی ،بسط وتحکیم جنبش انقلابی کـار گری ،بیدا یش عصر انقلا بهای خروشان نجات بخش ملی وموج نیرومند آن‌که‌طومار نظام استعماری را در هـم پیچید ودر ار کان امپر یالیسم وایدئو لوژی بورژ وابی‌ورفور مستی شکست وارد کرد وهمچنان ایجادمنا سبات بین المللی طراز نو یـن برپایه های‌اصول همز یستی‌مسالمت‌آمیز ومبارزه در راه صلح جها نی، همه در یك جر یان وجبهه عظیم‌تناسب نیرو ها را بـه نفع صلح ، استقلال ملی ، دمو کرا سی وتر قی‌اجتما عی ورفاه وبه زیان ار تجا ع وامپر یالیسم تغییر داد ، که‌درنتیجه‌امکا نات وسیعی برای رشد وتکامل سریع اقتصاد وفر هنگ کشور های تازه به استقلال رسیده وکم رشـد بوجود امد .ولی باید به کمال‌تاسف خاطر نشان سا خت که در وطن‌مـا نه‌تنهاازین امکانات مساعد جهانی‌و شرایط داخلی‌تاکنون‌استفاده لازم‌بعمل نیامده است ، بلکه بالعکس بنا بـر شیوه های استبداد سیا ه شر قی ودوره هـای طو لانی وبیرحم اختناق ونو طئه های‌پیهم‌ار تجاع ، استعمار ونیرنگ امپریالیسم واستفاده از سلاح زهر آ گین نفاق ملی، قبیلوی‌وقومی وایجاد پرا گند گی ، تشتت‌وبی اعتما دی در صفوف نیرو هـا ی آزادیخواه ، ملی ودموکراتیك،جنبش‌ـ رهایی بخش ملی ما ضر بات‌مدهشی دید، به شکست ونا کامی گرا ئید وار تجاع قرون وسطا یی وهواداران استعمار همچنان در کشور مابابرجا باقی ماند .

شکست نهضت مشرو طیت او ل وجنبش ضد استعماری وضدارتجاعی عناصر ملی جوا ن و«اما نیست هـا در دوره اعلیحضرت امان الله خان» ونا کامی مبا رزات دوره هفت‌شورای ملی،همه فاجعه های بزر گی درطول تاریخ معاصر وطن ماست .

این دوره های طو لانی اختناق ، استبداد فرد ی را باتمام کـا بوس وحشتناك آن بر جامعه ما مسلـط سا خت ، چـنانچه هیچگاه «محبس دهمز نگ» ودیگر زند انهای کشور از آزادیخواهان خالی نمانده‌وبسیاری از قهر مانان مشهور وگمنام در راه آرما نهای مقدس ملت ووطن‌جانهای خودرا قر بان کردند ، که الهـام بخش مبا رزات نیرو های‌دموکراتیك وتر قیخواه وطنپر ست ما گرد یده است. باالهام گرفتن از آنهاست که پر چمدا ران دمو کرا تیك خلق بـا وجود درك شرا یط سخت و دشـوار ودرطولانی وپیچ در پیوندباخلق، برای آرما نهای خلق، ضد دشمنان خلق، بمبارزه رهایی بخش ادامـه مید هند ، وبهمین جهت است کـه هر روز در ضمن مبارزه باار تجاع داخلی وخا رجی مورد کین وغضب حیوا نی ، توطئه، دسیسه وتحریك «دشمنان سوگند خورده خلق» قرار دارند ، ولـی با پیگیری وسا زش ناپذیری چون پیشتا زان کشاف در راه هـای نا منکشف نجات بخش‌خلق ووطن دلیرانه وخو نسردانه به پیش میروند واز موانع و حملات‌خصمانه دشمنان عمده ازجلو وعقب وهمچنین بیمجرفین راست و «چپ» نمی هراسند.

(ص۲)

د اجتماعی مبارزی په باره کی

اجتما عی مبارزه مختلف شکلو نه لری . پخلا کیدو نکی او نـه پخلا کیدونکی . کـه مبارزه ددوو داسی قواو ترمنځ وی چه دهغوی تر منځ تضاد نه‌پخلا کیدونکی (انتاګونستیک) وی یعنی داسی قواوی چه له تاریخی جهته سازش نه منی ، یوه ئی دنوی دنیا او بله ئی دزړی دنیا مظهر وی اوباید په تاریخ کی یوه دبلی خا ی ونیسی د مبارزی دغه شکل ته نه پخلاکیدونکی (انتا ګو نستیك)وائی. که مبارزه د دوو داسی قواو تر منځ وی چه دتاریخ په مشترك لوری کی عمل‌کوی اودهغوترمنځ‌تضاد کم‌له‌کمه په ټاکلی موده کی په یوه عالی سنتز کی دپخلا کیدو او ترکیب وړوی د مبارزی دغه شکل نه پخلا کیدو نکی (نان انتا ګونستیك) وائی . دغه دوه ډوله مبارزه دکیفیت په لحاظ یو له بل سره توپیر لـری . دمترقی او ارتجاعی قواو تر منځ مبارزه ددو نه پخلا کیدو نکو قواو تر منځ مبارزه ده . خو هغه اختلا فات چه دمترقی قواو تر منځ موجود یږی او کـو مه مبارزه چه ددغو اختلا فاتو په نتیجه کی دمترقی قواو تر منځ پیښیږی یوه پخلا کیدو نکی مبارزه ده .

دغـه دوه ډو لـه مبا ر زه چه په کیفی لحاظ توپیر لری په خپل منځ قاطع بوله نلری او په ژوند او ژوندی وا قعیت کی یو متصل مزی موجود دی چه په یوه قطب کی ئی ډیر زور نه‌پخلا کیدونکی تنا قضات وی اوپه بل قطب کی ئی ډیر سطحی حل کیدو نکی او پخلا کیدو نکی تنا قضات موجود وی . کومه کلی قاعده چه دلته باید ذکر شی داده چه دمبا رزی میتود داختلا فاتو دعمق په اندازه تغییر مومی . په معمو لی‌ډول که اختلا فات نه پخلا کیدو نکی وی په هغه وخت کی تل په مبارزی او په تضاد باندی ، دتنا قضا تو په حادکولو اوعمیق کولو او افشاءکولو باندی ټینګار کیږی . او تـر بـری بوری په بی اما نه مبارزی پـا ندی تکیه کیږی .

که اختلا فات پخلا کیدو نکی وی په هغه وخت کی په وحدت ، دتضاد په حل کولو کی هڅه کیږی ،باید داختلاف وړ ټکی خرګند او انتقاد شی اویوه عالی‌ترکیب‌ته درسیدلودپاره‌چه داتحاد سبب شی هڅه کیږی . ددغه یا هغه ډول تضاد دحل کولو د پاره هیڅ ډول له پخوا نـه تنظیم شوی نسخه نشته ، دایوه داسی مسأله ده چه باید دپور تنیو اصولو په رڼاکی په عمل‌کی‌اوپه مشخص ډول‌حل‌شی.

مبارزه په عمده ډول یا طبقاتی مبارزه ده یاملی‌او نژادی چه پـه دواړو صو رتو کی مسا لمت آمیزه‌یا غیر مسا لمت آمیزه وی .

طبقا تی مبارزه پـه دریو عمده عرصو کی اجرا کیږی: تیور یکی مبارزه ، اقتصادی مبارزه او سیاسی مبارزه .

دتیور یکی مبارزی عمده شکل له جدل (پو لمیك) خخه عبارت دی . داقتصادی مبارزی عمده شکل لـه مطا لباتی مبارزو خخه عبارت دی لکه اعتصا بونه . سیاسی او اجتماعی مبارزه له‌شرایطو سره سم یامسالمت آمیزه‌وی‌لکه انتخاباتی مبا ر زی ا و مظاهری ، یا غیر مسالمت آمیزه وی لکه قیام او آزادی بښونکی جګړی . دمبا رزی هره عرصه خانته خاص موازین لری . دمبارزی هیڅ عر صه مطلق کیدای نشی . دیو سیا سی ګوند مبارزه هغه وخت موثره او پیا وړی مبارزه کیدای شی چه ډیره متنوع وی او ژبات اړخونه ولری .

باید هرچه زودتر جرگه‌های باصلاحیت دهقانی قری در سراسر دهات

کشور تشکیل گردد و «ملك»‌های قری ازطرف دهقانان انتخاب شوند

ماده یکصد و دهم قانون اساسی میگوید :

«برای تنظیم امور مربوط به ادارهٔ محلی، قوانین وضع میگردد که درآن اصو ل مندرج ایـن فصل رعایـت می‌شود. از جملهٔ اهداف این قوانین تعمیم جرگه ها تادرجه قری و تأمین اشتراك روز افزون آن در اداره‌محلی می‌باشد.»

ازعمر قانون اساسی جدید کشور نزدیك بـه چهار ر سا ل میگذرد. هما‌نطوریکه تا کنون اغلب آزادیهای مصرح درقانون اساسی مورد تطبیق قرار نگرفته است، در زمینه تطبیق ماده مزبور نیز کو چکترین اقدامـی ازطرف دو لت بعمـل نیامده است.

تاکنون دهها گزارش ونامه از دهات وقری کشور، به «پرچم» رسیده‌است که از ظلم وستمگری متنفذین محلی و ماموران حکـومت بـر دهقانان ، در سراسر د هات کشور، حکایـت میکنند وفریاد اعتراض آنانرا بلنـد کرده است.

یکی از چاره های عاجل و فوری همانا ایجاد جرگه های قری است‌که از طر یـق انتخابـات آزاد، عمومی، مستقیم وسری از طرف د هقانـان تاسیس گردد، تااقلا فشار چنـگال آهنین زور مندان، خوانین ، اربابها وملکهای‌خودسر وماموران‌رشوه‌ستان وستمگر ازگلوی تـوده هـای عظیـم دهقانان برداشته شود وده نشینان زحمت‌کش کشور خود اداره محلی خویش را ازطریق هیأتهای منتخب، طبق اراده ومصالح فوری و مبرم‌خود تنظیم نمایند .

باید بکمال تـاسف اظهار داشت که تاکنون هیچ نوع قانونی که‌بتوان از طریق آن «ملك» ویاکد خدای ده‌را تعیین کرد، وجود ندارد. ازصدسال باینسو هیچگاه‌آراء دهقانان‌درانتخاب «ملك» قریه درنظرگرفته نشده‌است. ملکهای خود سردهات صرف نماینده ملاکان بزرگ، خوانین و حکومتهای مستبد بوده اند که برای حکومتها بمثابه افزار زور گوئی و ستمگری ایفای «وظیفه (!)» کرده اند .

درین صورت مبرهـن است کـه هزاران ملك قری کشور، آله‌ووسیلهٔ اجراء دستور وزور گـوئی مالکین می‌باشند واغلب سوء استفاده هـا، ظلم وستمگری ودستبردهای‌متنفذین محلی بتوسط ملك های قری بعمـل می‌آید .

اگر کمترین احسا س همـدردی به اکثریت‌نفوس‌کشور، یعنی‌توده‌های عظیم دهقـانـان در هیأت حا کمه افغانستان وجودمیداشت، درآنصورت اقتضاء می‌کرد کـه اقلا تا کـنون کو چکتـر ین اقدامـی در تشکیل جرگه های قـری در کشور بعـمل می‌آمد و «ملك» های قری از طـرف دهقانان انتخاب میگردیدند وبه‌ارادهٔ کیف مایشای متنفذین محلی‌لگام زده می‌شد. لذا بایدهرچه زودترجرگه‌های قری تشکیل گردد و«ملك» هاازطرف دهنشینان انتخاب گردند .

باید بخاطر داشت‌که چاره‌اساسی برای نجات دهقـانـان ، همانا محـو نظامات فئودالی و قرون وسطائـی دردهات کشور است! تا اصلاحـات اساسی و دموکراتیك ارضی اجـرا نگردد واتحادیه دموکراتیك دهقانان تشکیل نشود ووسیعاً کوپراتیفهای واقعی زراعتی بوجود نیاید، نمیتوان یوغ استثمار وبردگی، ظلم‌وستمگری را ازدهات وطن در هم شکست! معهذا درشرایط فعلی باید جرگه‌های باصلاحیت د هقانـی تشکیل گردد و«ملك‌ها» ذریعه دهقانـان و ازطرق دموکراتیك انتخاب گردند .

حقایق و ارقامی چند درباره ترکیب اجتماعی جامعه ما

آرایش طبقات ونیرو های سیاسی درطریق رشد وتکامل کشور تا ثیر بارز وعمده دارد . بنا بـران لازم می افتد که‌راجع به ترکیب اجتماعی جامعه در مرحله کنونی (بدون اینکه درمقاله حاضر درنظر باشد، تحلیل میکروبولی از وضع طبقـات ومبـارزه طبقا تی در کشور ، ارائه گـردد) نظری اجمالی افکنده شود.

بنابر شرایط مشخص تار یخـی وا قتصادی ، مو جودیت گروپ هـای اجتما عی متنـوع ومشخص نبودن صف بندی بین‌آنها، تر کیب‌اجتماعی کشور فو ق العا ده مغـلق است . بموا زات اقتصادگونا گون وترکیبی کشور که‌از دوران های مختلـف تکامل بشری نما یندگی میکند(در پهلوی شیوه تولید مسلط فئو دالی، شیوه های تو لیدی مـا قبل آن و منا سبات نو ظهور سر مایـه داری تجاری کم وبیش وجود دارد)میتوان حتی گروپ های اجتماعی را پیداکرد که متعلق به تمام صور تبندی ها ی اجتماعی ـ اقتصا دی میبا شد .

احسا سات نژادی، ملـی ، قـو مـی ، قبیلوی ،وغیره در حیات اجتماعی و سیاسی کشور هنوز نفوذ قوی دارد وغا لبا موجب انحرا فات در نهضت میگردد . بد ینجهت درك وتشخیص وضع وموقف گروه‌های اجتما عی‌در جامعه وسهم آنـها درامر مبارزه ضروری شمرده میشود. چه مطابق به شرا یط مشخص وتر کیب‌طبقاتی جامعه : تنوع ، اشکال ومتود ها ی مبارزه طبقاتی در نظر گرفته‌میشود .

از آنجا ئیکه در جا معه منا سبات تو لیدی فر توت فئودالی مسلـط میباشد واز جانب دیگر طی سالهای دراز ، کشور ما مانند سایرکشور‌ های کم رشد ومما لـك مستعمره ، نیمه مستعمره وتازه به استقـلال رسیده «نقش دهکده ایرا » بعنا به تهیه کننده موادخام‌برای کشورهای پیشر فته سرمایه داری بازی‌نموده، بنا بران کار بر مشقت دهقا نان و پیشه وران باعث رشد وسیع تولید وا ستخدام در کشور نگر دیدودر نتیجه آن اقتصاد ما بشکل نیمـه مستعمره باقی ماند و پرو لتا ر یای معا صر طی سا لهای زیادی تشکل کامل اختیارنکرد . بهمین‌جهت‌قسمت عمده نفوس‌کشور زراعتی باقیمانده است وبیشتر از دو‌ثلث آن‌به نحوی از آنحا‌متکی به‌کار زراعتی میباشند.

دهقا نان: از جمله نفوس‌مستعد بکار وشامل کار در کشور ۸۰ فیصد آن بـه‌امور زراعت اشتغال دا رنـد ، مثلا از ۶/۶ ملیون نفـر مـر[illegible] مستعد به کار (بدون کوچی [illegible]) فعلا ۳/۸ملیون نفرآن در کلیه رشته‌ های‌اقتصادی کشور «مشغول به‌کار» میباشند به تنهایی ۲/۹۴ ملیون آن در امور زراعت ومالداری «مشغول» اند که بد ینصورت تعداد نیروی‌کار زراعتی بیشتر از تعداد کار گرا ن در تمام رشته های دیگر بصو رت مجمو عی میبا شد .

افزا یش نفوس‌زرا عتی که نتیجه عقب ما ندگی ویکپا به بودن اقتصاد ماست تاثیـر جـدی بالای تر کیب اجتماعی دارد که منجر به‌پارچه‌شدن زمین، ویرانی وآوارگی دهقا نان و ازدیادی در تعداد کار گران زر اعتی بی زمین میگردد .

قسمتی ازدهقا نان دارای پارچـه‌ های خیلی کو چك زمین میبا شنـد که‌بصورت متوسط از پنج جر یـب زمین تجاوز نمی نماید واصلا اینها در زمره دهقانان کم زمین بی‌بضاعت بشمار میآیند وعاید آنها به‌اندازه‌ئی قلیل است که حداقل معیشت بخور [illegible] خا نواده اش‌را تا مین [illegible] نمیتواند. بهمین جهت مجبور [illegible] که زمین های ملا کین را تحت شرایط اسارت باری به‌دهقانی وا جاره بگیر ند واز آنجا ئیکه‌قسمت اعظم محصول را مالك زمین تصرف مینماید ود هقا نان برای تا میـن زند گی خو یش نا گذیر ازین اند که بعـ وجنس از ملاکین وسود خواران ده بسودفاحش‌قرض نمایندو‌بالاخره پارچه کوچك زمین خود را از دست دهند وخود در زمره دهقا نان فقیر زمر دوران زراعتی ویـادر اردوی بزرگ بیکا ران در آینـد . ارقام‌زیر نشان دهنده اینحقیقت است کـه مو جودیت مشتی محدود از ملاکین بزرگ‌فئو دال وتسلط کامل اقتصاد فئو دالی در دهات کشور مو جب آن گر دیده است که‌توده ها ی‌عظیم دهقا نان بی زمین و کم‌زمین وپیشه‌ وران ده زندگی دشوار وطا قت ـ فر سایی داشته باشند .

از جمله ۱۱/۳۷ ملیون نفو س رو ستایی کشور ویادر حدود ۲/۲ ملیون خا نواده به تنهایی ۱۰ فیصد یعنی ۱/۲۵ ملیون خا نواده آنـرا دهقا نان‌بی‌زمین ومستا جرین‌تشکیل میدهند وده فیصد آنرا پیشه وران ده. صرف ۴۰۰ هزار خا نواده کـه ۲۰ فیصد نفوس دهـا تـی است ، دهقانان کم‌زمین‌میباشد ولی‌زمیندا‌ران متوسط ومرفه الحال که هر یك حد اقل برابر بیست خا نواده دهقان‌کم زمین ، ملکیت دارند ، ۸ فیصـد نفوس دهاتی راتشکیل میدهند.نکته جالب توجه‌در ینجاست که‌صرف دو فیصد از مجموع نفو س دهـا تـی ملاکین بزر گ فئودال اند و تعـداد مجمو عی آنها بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر نمی‌باشد . اماعوایدیکه دراختیار این اقلیت خیلی کو چك قرار میگیرد بمرا تب بیشتر از مجموع عوایـد دهقا نان بی زمین است . این امر موید آنست که چگونه اکثر یـت عظیم دهقانان تحت چنگا لهای‌بیرحم تعدادی از ملاکین‌بزرگ‌فئو دال قرار دارندوبه و حشیانه ترین شکلـی استثمار میشوند. در مورد و ضع رقت بار دهقا نان ومقام اجتما عی شان بحث‌مفصلی‌درشماره‌هفدهم‌«پرچم» تحت عنوان «درباره مسأله دهقانی» صورت گر فته است، اما نتیجتاً میتوان گفت: چون اکثریت مطلـق دهقا نان ، فقیر، تهیدست ، بی زمین ‌وکم‌زمین‌اندبنابران‌دارای خصو صیت خو رده ـبورژ وازی ده نبوده‌وآماده برای پذیر فتن ایدیو لوژی طبقا ت استثمار شونده و ستمکش ا ستند نه‌اید یولوژی استثمار گران‌وملاکین لهذا دهقا نان متحد طبیعی وپرتوان طبقه کار گر در جنبش بوده ویکـی از نیرو های محرکه در مبارزه‌رهایی بخش ملی کشور ما بشمارمیا یند .

کار گران: تر کیب طبقا تی‌کشور ما بنابرتحولات نسبی اخیراقتصادی درچند سال گذشته وتطبیق‌دو پلان پنجسا له اقتصا دی ، تغییر زیا دی دیده است . باو صف اینکه‌موانعی

(ص۲)

زنان، محصلات ومتعلمات کشور

اعتراض میکنند !

روز سوم اسد میتنگ و سیعی‌ازطرف محصلات پوهنتون کابل در ساحهٔ پوهنتون بخاطر دفاع ازحقوق زن درافغانستان، تشکیل گردید. انگیزه مهم این اجتماع‌پیشنهادیست‌از طرف یك عده وکلا درولسی‌جرگه، که حق مسافرت زنان را در خا رج از کشور ،بمقصد تحصیلات عالی تحدید می نماید .

اجتما ع ساعت ده وسی دقیقـه باسخنرانی های پر شور وشجاعانه پیغله هـای (دوشیزگـا ن) نجیب‌وآزادمنش ووطنپرست کشورشروع گردید ودراخیر باتفاق آراء اعتراض نامهٔ شدیدی را درزمینه، باستناد آزادیهای مصرح در قـانون اساسی بخصوص ماده یکم، بیست و پنجم، بیست وششم وسی وچارم تصویب، امضاء وبه ولسی جرگه وحکومت ارسال نمودند .

دراخیر اعتراض نامه علاوه شده‌است که: «نباید قانون‌اساسی‌پایمال شود، وباید از «تصویب چنین نظر تبعیضی وغیر عادلانه در مورد زنان جداً خود داری گردد. و ما متوجه‌اعمال وکلا درولسی جرگه استیم... وعواقب ناشی ازاین عـمل متوجه‌ولسی‌جرگه ودولت‌افغانستان خواهد بود... ونباید حقوق نیمی ازاتباع‌افغانستان سلب شود!» .

پر چم: خوا هران نجیب و دلیروطن! مبارزه، اتحاد و همبستگی ضامن پیروز یست! متحد شو ید !اتحادیه دمو کرا تیك زنان آزا دیخواه افغا نستان حصار محکم و مـدافع‌حقوق و آزادیهای دمـو کـرا تیك شماست! نفاق و تفرقه را در مبارزه‌خویش راه ند هید! بـا شهامت و شجاعت و هشیاری در راه د فا ع‌حقوق و آزادیهای دمـو کـرا تیك خویش گام بردارید، همه نیرو های‌صدیق و طنپر ست ودمو کرا تیك وملی کشور با شما ست !

تلخیص وترجمه :م.ا خیبر

-۱۰-

۱. عمر فیض - کاکسید پرچم اهدا به آنهائیکه پرچم مبارز را به زمین نگذاشته اند

پرابلمهای حیاتی راه رشد غیر سرمایه داری

مقدمه

امروز پرابلم مستعمرات سا بق اینست که گذار به‌راه رشد غیـر سرمایه داری رادر حالی آغازنمایند که انقلاب آزاد یبخش هنوز به‌پایه تکمیل نرسیده است، وضع اجتما عی، سیاسی و اقتصا دی هنوز استقرار نیا فته وامپر یالزم هم تلاش داردکه این کشورهارا درقلمرو سرمایه‌داری حفظ نماید .

کشور های نوبه آزادی رسیده بایك پرا بلم مهم تیوریك وعملـی روبرو استند وآن عبارت است از پیدا کردن طرق و وسایل آسـان ساختن‌گذار ازروابط ماقبل‌سرمایه ـ داری به روابط سو سیا لستی . یا بعبارت دیگر پیدا نمودن حلقات بامراحل بینا لبینی ازحالت عقب‌ ماند گی مو جود به ترقی .

امروز مطالعه خصو صیات رشد اجتماعی ـسیاسی واقتصادی‌کشور ـ های جوان وهمچنان تجربه کشور ـ هاییکه از طریق‌رشد غیر سرمایه ـ داری به عقب ماند گی اقتصـادی وفر هنگی خود خاتمه داده انـد ، عناصر متر قی را باین نتیجه‌میرساند که راه رشد غیر سر مایه دار ی میتواند پرا بلم های دمو کراتیـك عمو می جنبش آزادی بخش ملی را حل‌کند. ازآنرو« بهترین راه برا ی از بین بردن عقب ما ندگی طو لانی وا صلاح شرا یط زند گانی راه‌رشد غیر سر مایه دار یست» .

البته انتخاب راه رشد به‌خودملت تعلق دارد وملت است که بایدراه رشد خود را نتخاب کند . تنا سب نیرو های طبقاتی ومبا رزه طبقاتی راه رشد هر ملت را تعیین خوا هـد نمود .

مد تنها قبل روشن شده است : عوا ملیکه برشد غیر سرمایه داری کشور های جوان مسا عدت میکنـد نیرو مند تراز تما یلات مخالف آن میبا شد .

در دوران‌ماشرایط عالی بین‌المللی برای گذاربراه رشد غیرسرمایه‌داری بوجود آمده است .

مبـارزه خلقها در راه استقلا ل اقتصا دی‌وا نتخاب راه رشداجتماعی واقتصادی زمانی آشکار میگـر دد که‌در جهان دو سیستم اجتما عی وجود دارد وباهم در رقابت‌میباشند. بر تری نیرو های سو سیا لیزم‌و صلح برنیروهای امپر یالیزم‌وجنگ بیش از پیش رو شنتر میگـر دد. سیستم سو سیا لستی به‌سپرمطمئنی برای رشد مستقل ملی خلقها تبدیل گر دیده است . وا قعات سا لهای اخیر در چندین کشور آسیا، افریقا وامر یکای‌لاتین‌نشا نداد که‌نیروهای امپر یالستی دیگر نمیتوا نند مانند سابق به پیمانه وسیعی دست بـه ماجرا جو ئیها بزنند واگر گا هـی به چنین کار مبا درت میو رزند بـا ضربه قاطع ومشترك نیرو های‌صلح وجنبش آزاد یبخش مـلی عقب زده خوا هند شد. همزیستی مسا لمت‌ آمیز امکان تعر ض امپر یالستی را علیه دو لت های جـوان کم میکند ، مقد مات مساعد یرا برای تر قی‌مزید جنبش آزا دیبخش ملی تهیه می‌بیند ومبارزه بخا طر مترقی ترین راه‌رشد اجتماعی وا قتصادی را آسان‌میکند.

کشـور هـای کمر شد در مبارزه بخا طر استقلال وا یجا د اقتصاد مستقل ملی وا نکشاف نیرو ها ی مو لده میتوانند بکمك همه جا نبه سیستم سو سیالستی اتکاء نمایند . این اتکاء دور نمای ترقی کشور های مذکور راازریشه تغییر میدهد. امداد کشور های‌سو سیالستی به انحصار نیرو های‌امپر یالستی در تحویل‌دادن تجهیزات صنعتی، قر ضه‌ها وتجارب تخنیکی باین کشور ها خاتمه داده است . سرمایه انحصاری بیش‌ازین نمیتواند شرا یط خود را برکشورـ های جوان تحمیل نماید . همکاری مسا ویانه اقتصادی بین کشور های سو سیا لستی وکشور های نو بـه آزادی رسیده، عامل‌عمده تقویه‌موضع کشور های اخیر الذکر در مناسبات شان باامپر یالیزم‌میباشد .کمك‌های لمر بخش کشور های سو سیالستی بملت های جوان معا ونت مینماید که مزا یای سوسیا لیزم رادر مقایسه باسر مایه‌داری‌بفهمند. آنهامیتوانند معنی سوسیا لیزم را از راه مقایسه سو سیا لستی با «کمك» ایکه از طرف کشور های عمده امپر یالستی میشود درك کنند . پر ستیژسرمایه داری در ین کشور ها بطور دایمی رو بزوال است، درحالیکه حیثیت وپرستیژ سوسیالیزم روبا‌عتلاست. کمك دو ستانه اقتصادی کشور ها ی سو سیالستی‌راه‌رابرای امحای‌نهایی سیستم ظا لمانه بردگی واستثمار یکعده ازکشور هاتوسط عد ه دیگر هموار مینماید. سقوط سیستم‌بردگی واستثمار شکست امپر یا لیز م را بسویه جهانی وا نتخاب آزادانه راه مترقی رشد اجتماعی را برای خلقها تسریع میکند .

در مستعمرات سا بق باز هـم امپریالیزم مانع عمده حل‌پرابلمهای مبرم تار یخی ونیل با ستقلال‌سیاسی باقی میماند . امپر یالیزم بهروسیله میکو شدتاجلورشد مستقل‌اقتصادی این کشور ها را بگیرد وآنها را در اقتصاد جهانی سر مایه داری بحیث وابسته استثمار شده یی‌که بـرای دولت های امپریالستی محصو لات زراعتی ومواد خام تهیه مینما یند، کند . از آنرو استقلال واقعی‌وامحای عقب ما ندگی بدون خصو مت بـا امپر یالیزم امکان پذیر نیست .

دربهلوی شرایط خار جی، شرایط مساعد داخلی برای گذار کشور های عقب مانده براه رشد غیرسر مایه‌ داری وجود دارد . در اذهان خلقهای کشور های روبه انکشاف استعمار وامپر یالیزم ، سیا ست جنگ، غارت ، استثمار، بر دگی وفقرمربوط به‌سیستم اجتماعی‌سرمایه‌داریست . مردم کشور های مستعمره ووابسته سابق به قیمت حیات ملی خو یش بهلوی نا مطلوب تمدن تام نهـاد سر مایه داری را درك میکنند .

تجارب رشد سرمایه داری بعضی کشور های جـوان نشان میدهد که مقاصد اساسی ملی با تعقیب راه‌رشد سر مایه داری بدست آمده‌نمیتواند. بخشهای وسیع نفو س این کشورها هرچه بیشتر معتقد می شوند کـه هر گاه قدرت بـدست بـورژ وازی بافتد تمام مشکلات وسختی هـا ی تر قیرا بدوش خلق کار گرمی‌اندازد وا صلا حا ت عـمیق اجتما عـی واقتصادی را که وعده داده بود از طرف حکو مت‌های بورژ وایی‌سبوتاژ ودر راه اجرای آن موا نع یجادمیکند وبه نیرو ها ئیکه سعی میورزند تا جلو انکشاف سر یع ملی را بگیرند امتیاز مید هند . سر مایه انفراد ی که هنوز تسلط دارد ، بقیمت زندگی مردم افزایش می یابد . ثمر کـز ثروت در کنترول بخش نسبتاً‌کوچك نفوس بیشتر میشو د . با وجـود افزا یش مفاد وا ندازه تولید مـزد واقعی افزون نمیگردد ودر بسیاری موارد کمتر میگردد . بیکاری وبلند رفتن قیمت هـا در حکم مشکلات (ص ۳)

از فصل حقوق اساسی مردم

آسه مایی:

آزادی انسان از تعرض مصون است

انسانها دارای یك سلسله حقوق غیرقابل سلب میباشند که آزادی و مصونیت شخصی جزء لاینفك آن بشمار می آید. ولی تجارب تاریخی نشان دهندهٔ این حقیقت تلخ است‌که تسلط نیرو های سیاه ویك گـروه وطبقه کوچك براکثریت عظیم‌تودهـ ها در طی دورانهای مختلف‌درجوامع طبقاتی مو جب آن گردیده است که نه تنها آزادی ها ی مسلم شخصی سلب گردد، بلکه انسانها در زیر زنجیر رقیت وبردگی کشانیده‌شوند. دوران بردگی که سر آغاز استثمار انسان از انسان وپیدا یش طبقا ت ستمگر وستمکش می باشد واساس مناسبات تو لیدی‌این‌دوران راما‌لکیت برده داران بروسایل‌تولید وحاکمیت بلا منازع ایشان بر برده ها تشکیل مید هد، لهذا طبقهٔ حاکم ظالم وخون آشام یعنی صاحبان غلام مالك جمیع حقوق وآزادیهای لجام گسیخته وبی بندوبار، ازفروش ومعا وضه‌غلاما ن گرفته تا داشتن حق وآزادی کشتار آنان، بودند وبرده ها بصورت قطع محروم از هر گونه حقوق وآزادی ها تاندا شتن‌حق‌زندگی، در زیرضربات کشندهٔ شلاق وبه جبر محکوم به کار های شاق وطاقت فر سا می شدند ودر واقع برده داران بیشتر از یك شیء وباماتاع ناچیز‌بر‌برده‌ها اهمیت قایل نبودند .

در قرون وسطی در اروپا آوانیکه نظام سـر واژ (ارباب رعیتی) و فئو دا لیسم بیداد میکرد، حقو ق وآزادی‌های توده‌های عظیم‌دهقا نان (سر فها) وسایر ستمکشان جا معه درزیر باشنه های آ هنین ملا کین ستمگر و متنفذین وار‌بابان‌وصاحبان قدرتهای شوم لگدمال میگردیدومردم عملا از هیچگونه حقوق وآزا دیهای انسا نی بـر خـور دار نبـو دنـد.

باوصف اینکه مستقیماً خریـد و فروش نمی شدند ا ما یکجاباز مین معا مله میگردیدند و مورد هر گـونه بیحر متی وستم قرار میگـر فتند. شرافت، حیثیت، شخصیت وکرامت انسانی ایشان مورد تعدی وتجاوز واقع میشد، تعذیب و شکنـجه های وحشیانه وسیلـه استنطـاق بوده و متهم را از طریق فشار های سنگین وطاقت فر سا ی جسمی مجبـور به اعتراف میگر دانیدند وحتی تاقبل از انقلاب بورژ وائی فرانسه درقوانین جزایی شکنجه‌هایغیر انسانی‌ازقبیل قطع اعضاء اعدام وامحای هو یت و غیره شا مل بود .

در دوران فیودالیسم احکام،فرا مین وفیصله های شفا هی خوانین وحکام وزمامداران برای حفظ قدرت‌وملکیت زور مندان حیثیت قانون را داشت که بر اکثریت مطلق تو ده های مردم جبراً تطبیق میشد. مو سسات‌تفتیش عقاید(انگز یسیون) بالهای نامیمون وهولناك خود را بـر جسم و روح و اندیشه مردم گسترده بود .

در اوضاع واحوال کنونی نیز در جوا مع طبقاتی به آزادی ها وحقو ق انسانها آنطوریکه لازم است احترام نمی گردد . در کشور های سر مایه داری هر گونه آزادی ها فقط بـرای طبقات وگروه های صـاحب امـتیاز مو جود است وآنها استندکه‌وسایل استفاده از آزادی های بورژ وازی را در اختیار دارند واز آن، جهت تأمین منافع‌آز مندانه خود وسر کوب هـر نوع آزادی ها وحقوق طبقات بهره‌ده جا معه که با منافع‌ایشان متضادباشد استفاده مینمایند.مگر این بورژوا ها ونمایندگان ایشان نبود که ملیو نها انسان هموطن وغیر رابه‌وحشیانهـ تر ین شکلی شکنجه داد نـد وزنده زنده سوختاندند.مگر این سـر مـا یـه دا ر ن بـز رگ انحصار گران ونـمایندگـان ایشان نیست که در بسا جا ها وبساموارد ابتدایی ترین‌آزادی‌های مردم راسلب مینمایند که یکی از نمونه های‌معاصر آن یو نان است.مگر این بورژوا های تاجر پیشه وصاحبان صنعت نبودند که‌باسیاه هان‌افر یقایی ومردم آسیا (هندوستان وغیره) وبومیهای‌امریکا چطور معا مله کردند،هزاران انسان را دزدیدند ،فروختند وبه کاراجباری واداشتند که ننگ بشریت است.مگر اکنون این سفید پوستان «متمد ن» نیستند که چگونه سیاه پو ستان و نژاد های دیگر را در برون وداخل کشور های خود در نیمه دوم قـرن بیستم به بردگی میکشند که چون‌لکهٔ سیاه بر دا مان‌آلودهٔ آنهـا نشسته است. پس معلوم میگردد که اصلا آزادیهای بورژ وایی برای عموم‌مردم بیوسیله نیست، ا ما ایشان نیز می توانند تاحدودی‌از آن استفاده‌ببرند. دراکثرکشور های‌آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین که نظام‌های فر توت ویوسیده اجتماعـی‌ـ اقتصادی کـه تاکنون تسلط خودرا حفظ نموده‌است مردم عملابهره‌یی‌ازحقوق‌وآزادی های واقعی انسانی ندارند .

درکشورمانیزبنابر تسلط نیروهای سیاه ارتجاعی واستبداد شرقی‌آزادی شخصی و مصو نیت فردی در حرف است نه در عمل. حا کمیت مطلـق خوانین وصاحبان نفوذ بر خلق هنوز پابر جاست. تاریخ سالهای اخیـر کشور شا هد این امر است که‌صدها نفر از آزادیخوا هان و مشروطه ـ خوا هان وهزاران‌نفر از افرادهموطن ما بدون محاکمه در اثراوامر شخصی ویابنا بر دسایس محا فل حا کمه ارتجاعی به صورت کیف مایشاء به انواع مختلف عقو بات وحشیانـه گرفتار شده اند و محکوم به زجر و شکنجه جسمی ومعنوی ، تو قیف ، حبس وتبعید، ا محـای شخصیت و اعدام گردیده اند .

عجب تر اینکه در شرایطی حقوق وآزادیهای مسلم وقانونی مردم‌ما از طرف زورآوران مورد تعرض قـرار میگیرد ویا مال میشود که درقانون اساسی کشور صر یحاً یك سلسله حقوق وآزادیها برای مردم بر سمیت شناخته شده . مـردم ما تا کـنون نه تنها‌ازمفردات‌فصل‌حقوق وآزادیـ های مردم وهمچنین اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر که‌افغانستان تطبیق آنرا تعهدکرده است ،بهره‌یی‌نبرده‌اند، بلکه هر روزبه انحا واشکال مختلف مورد اهانت قرارمیگیرند، هم اکنون‌بدترین انواع شکنجه ها، لت وکو ب حـتی تاسر حدی که شخص بیگناه مجبور گردد به جرمی بالای‌خود شهادت‌دهد که‌به آن عمل‌نکرده‌است، در خصوص مردم اعمال میگردد. در حالیکه‌حقوق وآزادی های اساسی مردم مصرحه‌در قانون اساسی کشور(ماده بیست و پنجم وبیست وششم فصل سوم) و هم به موجب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر از تعرض مصون است‌وانفکاك نمی پذیرد و«آزادی‌حق‌طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عا مه... حدودی ندارد.»

مصو نیت شخصی مستلزم‌آنست که آزادی وکرا مت انسانی از تعرض ایمن باشد، هیچ قدرتی از قدرتهای مملکت نتواند بدون حـکم محکمهٔ باصلاحیت هیچکس راتعقیب،گرفتار توقیف، مجازات، تعذیب وتبعیدنماید وبه جبر واکراه وادار به اظهارجرمی نماید که مر تکب آن نشده است .

در نظا مهای نوین اجتماعی وجوامع مترقی بشری جهان شرایطی وجود دارد که تمام مردم از مزایای حقوق‌و آزادی های اساسی خویش بهره‌مند میگردند ، از گروه های استثمار گر واستثمار شونده، ستمگر وستمکش خبری نیست . همـه کس یکسان وسایل استفاده از آزادیهای قانونی را در اختیار دارند. در برابر قوانین که بر طبق ارادهٔ مردم بو جودمی‌آید

(ص٤)

از (ص اول)

حقایق وارقامی چند...

در قبال رشد طبقه کار گر وجود داشته ، چه از یکطرف توجه بیشتر در پلا نها قسماً در مورد زرا عت بعمل آمده است واز سوی دیگرقلت سر مایه وبد تر شدن وضع تجارت باعث کندی‌رشد صنایع وعدم‌استخدام تعداد زیاد کار گران گر دیده است.

لیکن باز هم تا حدی گروه کارگران مزدبگیرونیرویکارغیرزراعتی‌ازیکسال تاسال دیگر فزونی گرفته است که البته فیصدی افزایش گرچه کوچك میباشد، اما باوجود آن، ایـن نـوع کارگران عنصر مهم ترکیب اجتماعی جامعهٔ مارا تشکیل میدهند .

باید خا طر نشان سا خت کـه اصطلاح «کارگران مزد بگیر» شامل گروپ بزرگی ازعناصرنیمه پرولتری نیز میباشد وبدینمناسبت ترکیب‌آن فوق‌العاده متنوع ونامتجانس است، ولی هستهٔ نیرومند آنرا پرولتاریای معاصر(کارگران‌فابریك، ترانسپورت، ساختمـان ومعاون) با وجود تعداد نسبتا قلیـل (۲۰ فیصد) تشکیـل میدهد. قسمت بیشتر کار گـران مزد بگیر متشکل از کارگران مزدور زراعتی بوده واینها بـا کـار گران روز مـزد وپیشه وران ۵۰ فـیصد مجموع کارگران مزد بـگیر راکـه مجموعاً ۸۸/۰ ملیون نفربه‌(استثنای آنها ئیکه مستقیماً در امـور زراعت ومالداری به صفت دهقانان اشتغال دارند) میباشد، دربر میگیرد. تعداد کارگران مزدور زراعتی‌که به کارهای گوناگونی در دهات مشغول استنـد به ۳۵۰هزارنفر میرسند.مستخدمین امور خدمات صحی، معارف، تجارتی وخدمات دولتـی ۲۰ فیصد میباشد ویك فیصدی بلند غیر معمول‌ازاینها درامور غیرتولیدی (تجارتی‌وخدماتی) مشغول استندکه تعداد شان حتی (ص ۳)

از (ص اول)

پیگیری ودلیری درمبارزه ضامن پیروزی است

گرچه ده‌ها سال مبا رزات مردم ونیرو های ملی ودمو کراتیك وطـن به پیروزی نینجا مید ، ولی اثرات نسبی آن در حیات اجتماعی‌وسیاسی، اقتصا دی وفر هنگی جامعه ما بجا مانده است. علی‌رغم تحو لات‌نسبی‌ـ ایکه در سا لهای اخیر در ساحـه سیاست خار جی ورشد اقتصا دی کشور بو جود آمده وهم اینکه‌هیات حاکمه افغا نستان به یك سلسلـه رفورم هاتن در داده است که منشاء ومحرك آن‌مبارزات طو لانی نیروهای ملی‌ودمو کراتیك کشورمی باشد.اما باید جداً در نظر داشت که تا کنون محتوی اقتصادی کشور ماجهت‌ضد استثمار استعماری نداشته وسطـح آهنگ رشد اقتصا دی ماناز لتر ین سطح در جهان میباشد .

سیاست خار جی کشور از لحاظ ضدیت خود با استعمار وامپریالیسم جبون ومحافظه کاراست ، فر هنگ استعماری وار تجاعی در کشورتسلط دارد ، اکثریت عظیم خلقهای وطن ما عملا از کمترین حقوق وآزادیهای وسیع دمو کرا تیك اعم از سیاسی، اقتصا دی ، اجتماعی وفرهنگـی محرو مند ودر منجلاب فقر ، جهـل ومرض دست وپا میزنند ،استبداد وار تجاع، تبعیض، ستم ملی‌وقو می در شهر وده کشور حکمفرما ست ، ظلم وستمگری، رشوه ستانی‌وفساد کران نمی شناسد .

موجز اینکه خلق کشور ما رنـج عظیم میکشد وهیات حاکمه‌افغانستان باشکل وما هیتی که دارد قادر بـه حل مسایل‌ملی‌وتنا قضات‌وتضادهای جامعه ما نیست . بد ینجهت مـا معتقدیم که تنها‌از طریق اجـرا ی تحولی بنیادی وتغییر کیفی وسر یع مینوا ن خلق ووطن را نجات داد ، حیات ملی را تجدید کرد ، به فقـر وعقب ما ندگی دیرینه که‌از قرو ن متوالی دامنگیر ماست پایان بخشید، به‌استقلال اقتصادی نایل‌آمد، کشور را صنعتی سا خت وآهنگ سر یع رشد اقتصاد وفر هنگ راتا مین‌کرد وبه روش ضد ملی وضد دموکراتیك خاتمه داد واز طریق راه رشد غیر سر مایه داری وایجاد حکومـت دموکراتیك وملی، حکومت خلق‌بر خلق را در کشور مستقر ساخت .

پروا ضح است که چنین تحو لی بنیادی درکشور بصورت خودبخودی بوجود نمی‌آیدوبدون اتحادوهمبستگی نیرو های‌ملی،دموکرا تیك‌وترقیخواه وطنپر ست جامعه‌نمیتوان این وظیفه سنگین راکه چون کوه گران‌بردوش مبا رزان راه آزادی ، دمو کراسی وترقی اجتما عی کشور قرار دارد، سر یعاً انجام داد .

اما باید گفت که تحت هر گونه شرا یطی مااین رسا لـت سترگ تاریخی را به پیش خوا هیم بـرد ومعتقدیم که تسلیم شدن بو ضـع موجود وبه انتظارسر نوشت نشستن وبا یاس ، نا میدی ، سر خوردگی، کناره گیری از مبـا رزه ، سا زش غیر اصو لی را شیوه خو یش قرار دادن اند یشه های زهر آگین‌وعبثی است که‌حکم‌انتحار سیاسی‌واجتماعی را دارد . بد ینجهت باید هر عنصر آگاه وطنپر ست صدیق وسرسپرده راه آزادی مستشعر باشد که بدون پیگیری ، دلیری وهـو شیا ری در مبارزه پیرو زی نا ممکن است امـا بایدباین‌حقیقت بـزرگ را بعمو م همو طنان خاطر نشان سا خت کـه آنچه دارای اهمیت‌عظیم است مبارزه اصو لی است نه تحویل دادن صرفا شعار های انقلابی نمای « قهر آمیز، قیام...» غیر عملی وپیش از شرایط (که بالا خره دراثر نا کامی مو جب یاس ، سر خو ردگی وحتی تسلیم خوا هد شد) وفحش ودشنام داد ن ضد اصول متر قی‌به «پرچم» واتهام بستن به این وآن ...

راه مبا رزه طو لانی ، پیچیده ، سخت ود شوار است ، وپیگیری در چنین مبارزه ایست‌که ماهیت‌وجوهر یك انقلابی صد یق وطنپر ست را ظاهر میسازدوضا من‌پیرو زی‌مبارزه خلاق‌است.این‌سخن‌آموزنده‌رانبایداز یاد بردکه :«قهر مانی درکارسازمانی طو لانی مصرانه در مقیاس‌سراسر کشور بمراتب دشوار تر ودر عوض بمرا تب عا لیتر از قهر مانی قیامها است ».

تردید ی نیست که هدف مـادر آخرین‌مر حله ودر متکا ملترین شکل آن هد فیست که جهان بینی علمی واند یشه های پیشرو عصر ما یعنی تئوری سو سیالیزم علمی صحت و ضرورت تاریخی آنرا ثابت‌سا خته است .این تئوری عا لیترین حقو ق وآزادیهای بشری راتأمین مینمایـد وبشریت را از نا برابری اجتماعی واز کلیه اشکال ستمگری واستثمار وکا بوس جنگ رها یی می بخشدو «صلح، کار، آزادی، برابری، برادری وخو شبختی» را برای انسا نها به ارمغان می آورد .

ولی مساله مهم اینست کـه راه ووسیله نیل به این اهداف تا بناك ودر خشان سهل وساده نیسـت وصرف از طریق مبا رزه‌دلیرانـه وپیگیر با تجهیز تمام نیرو ها یـی که کـلا وجزءً درهرمرحلـه‌یی از مبارزه آما ده اند، ممکن است .این این‌مبارزه‌با شور‌وشوق‌تمام‌درچهارچـ جوب ملی ووطن ما افغا نستان کـه تاریخ مارا بدان پیوند نا گسستنی مید هد ، صورت میگیرد ودر طبیعت خود باجر یانات پیشرو مترقی‌جهان همراه است. این مبارزه رهایی‌بخش (ص ۳)

۱. عمر فیض - کاکسید پرچم اهدا به آنهائیکه پرچم مبارز را به زمین نگذاشته اند

په کندهار کی دوړیو پاکونکو

دژوند غمجن تصویر

پرچم چه‌دهیواد دزیار کښو دحق او آزادی دباره مبارزه خپل تاریخی رسالت گڼی، تل هڅه کوی چه له خلکو سره دنږدی تماس له لیاری، خپل هیواد وال دکار گرو دطبقی له بد حالت خخه خبر کاندی اود استثمار گرو او مستبدینو د نا روا او ناوړه غیرانسانی چال چلن له‌مخی پرده پورته کړی .

دهمدی اصل په اساس دپر چم خبر یال دکندهار دوړیو دپا کولو له خوتنو کار گرو سره مر که وکړه اود هغوی دژوند دمختلفو اړخو نو په‌باره کی‌یی له هغوی خخه پوښتنی وکړی چه داهی ددغو خبرو اتـرو لنډیز موږ دگرا نو لو ستو نکودپاره خپره وو .

پو ښتنه: دغه وړی چه تاسی یی پاکوی دورځی‌څوافغانی مزد درکوی؟

ځواب: داوړی‌چه موږ یی پاك‌کوو ځینو ته‌یی په تیکه ور کړی اوځینو ته‌چه له سهاره ترما شامه کارکوی دروځی «۹» افغا نی ور کوی. ځوك یی‌چه په تیکه‌اخلی خر وار په «۴۰» افغانی‌پاك‌کوی. یوخروار وړی په‌پنځو یا شپږو ورځو کی پا کیږی.

پ: تاسی له‌څه وخته ترڅه‌وخت کار کوی ؟

ځ: مونږ‌سهار له‌خپلو کو چنیانو سره، راځو اوتر ماښامه دلی کار کـوو . کو چنیان موهم دلی کومك را سره کوی زمونږ دغه خواری ده، بل‌چیری خواری نه پیدا کیږی . دغه وړی‌چه ویني «۴۳» روځی کیږی چه شپږتنه په اخته یو، مگر نه خلاصیږی. نو کان موپه وختل، سترګی او هلاك یو په دوړو کی پټ‌یو، آخر دو مره‌پیسی راکوی چه‌وچه ډوډی نه‌په کیږی . کو چنیان مووږی تږی دی ناری‌رانه وهی، دغه مو گذاره ده. دادی په دغه سوز ونکی لمرکی چه سړی ویلی کوی اخته‌یو،دماندهاو‌به‌چنبو،دگرمی دلاسه طاقت نه کیږی ، یوازی‌سمی اوبه هم خوك نه‌را کوی .کوچنیا ن مود تږی دلاسه چغی وهی ، همدا یو ساعتکی دمخه دهغی بنځی یـو کوچنی جولی (جل) وواهه او هغه دی پروړ یو پروت دی . نه‌ده معلومه چه پاته سی که‌یه !

دغه مو گذاره ده چه یوه‌پیسه نه رانه پاته کیږی چه خپلوکو چنیا نو ته دواړه وکو .که وایو چه تنخوا مو لږده دستی موله کاره باسی، که‌یو روځو رته رانه شو کو چنیان مو لوږی مری.یو آن خلاص نه یو،داخه دسپی ژوندی! گرد عمر خواری، دربه دری، بیچارگی او سترتیا ...! مونږ‌خوك‌دانانابوه‌پله کی‌نشمیری یوخوتنه ماموران یی رابانددی مقرره کړیدی چه دتلو په وخت کی مـو تلاشی کوی . دوی په دی خبره گی کی ژوند کوی . کله چه دکوم یو پاره ورسو ځانته مونږ دی نه‌پر یږدی نیغی بوی موځی ، دلری ځخه خبـر ی را سره کوو .

پرو سږ کال ددی دپاره چه ما بنیام هم کاروکواو گذاره مووسی دلـی مو ځانته کړلی جوړ کړی و، بنځی اوکو چنیان مو په‌کی اېښیدېل ، خو ظالمانو کلنګان پـه را واخستل اووی نړاو .

دغه مو حال دی چه وینی یی که رښتیا وایو خوك یی نه‌منی ، نه مو خوك رغ آوری، نه‌مو خوپه محکمی کی دعوی نه غوږ نیسی .حقوق مو خوك نه‌را کوی، حکومت هم‌دغه چا خبره منی چه پیسی لری . موږ چه په‌وچه ډوډی نه‌یو ماړه پیسی به له له کومه کړو ، څه‌کو ..!

که څه وایواولاد موله لوږی مری، که نه‌وا یو دا به مو حا ل وی .

دادی به هیواد کی دکار گرو دژوند یوه‌نمونه چه دسرمایه دارو ظالمانه استثمار له‌هغوی نه هرڅه اخیستی دی اود هغوی نیك مرغی یی دخپل حرص او هوس نه جار کړیده . ددی ظالمانه وضعی دبد لولو په لاره کی مبارزه ز مونږ تا ریخی وظیفه ده.

پر چم : دو ړ یو پا ك کو لو دکار گرانو دغه دخوا شینی وړحالت ته‌دمسؤ ولو مقاماتو جدی پا ملر نه ور جلبوی چه‌باید ژرتر ژره دغه غیر انسانی رو یه پای ته ور سو ی.

(ازص ۲)

حقایق وارقامی چند ...

بیشتر از کـارگـران صنعتی است واقتصاد دانان این نوع کارگران را درزمرهٔ طبقات بین‌البین قرارمیدهند که قسماً درست میباشد، زیرااینها درواقع نیمه پرولتر استند .

تعداد کارگران دایمی صنعتی که اکنون به ۳۲ هزار نفر میرسدبارشد اقتصادی افزایش می‌یابد واین یـك پروسه مهم اجتماعی است که‌صورت میگیرد. با تأسف باید خاطر نشان ساخت‌که علاوه بر هزاران کارگر مرد وزن مستعد وآماده برای کـار فعلا بیکار اند، هم اکنون درحدود ۸۰ هزار کارگر ماهر ونیمه ماهر دررشته های مختلف پس از تکمیل پروژه های بزرگ پلان دوم بیکار مانده اند .

شرایطیکه درآن طبقه کارگر مـا تشکیل مینماید،باساختمان اجتماعی اقتصادی کشور تعیین میگردد کـه بس عقب مانده ومیراث‌شوم سالهای طولانی شیوهٔ ادارهٔ استعماری است. کار گـران مـا بنابر ار تباط دایمی ویاوقفه وی ایشان باده ازطبقه‌کارگر کشور های پیشر فته سرمایه داری متفاوت اند. طبیعی است‌که چنیـن روابط بر بعضی جوانب ایدئولوژیك وسازمانی ودرزمان طولانی در جهت وسمت جنبش کارگری تـأثیر وارد مینماید، چه ذهنیت نیمه دهقانـی کارگران مانـع ر شد سالم شعور طبقاتی ایشان گردیده، روحیهٔ‌تشکل وسازمانی آنها را تضعیف مینماید ودربرابر پخش واشاعهٔ اید ئولوژی مترقی دربین آنان مشکلاتی را ایجاد میکند . هم اکـنون تعداد کثیـر ی ازخانواده های دهقانی از عوایدقلیل زمین ودهقانی خود ودستمزدیکه یکی یابیشتر اعضای خانـواده از شهر بدست میآورند ، زندگی مینمایند. این دومنبع عاید باعث ارتباط‌طولانی کار گـر شهری بـا روستا میگردد. همچنین تعداد زیاد کارگران فصلی زراعتی ودهقانان بیکار بعضی‌ماه‌های سال را درشهرها بکار می پردازند ویا تعدادی ازکارگران‌که درفابریکات بصورت فصلی کـا ر مینمایند مثلا فابریکات قند، تیلکشی وغیره، بقیهٔ وقت را دردهات به کـاری اشتغال میورزند ویـا در ده بسر میبرنـد. بدینصورت پیوند قوی آنان بادهات حفظ میگردد که این امر به نهضت کارگری لطمه وارد مینماید. دهقانان تهیدست وفقیر نیز کـه به شهرها میآیند نیروی کار را بیشتر ازتقاضا برای آن، زیاد میسازند . اینچنین شهر نشیـن شدن غیر عادی ترکیب اجتماعی نفو س شهر هـارا متأثر میسازد واینها مجبور اندکه درصف پیشه وران ، دوره گـردان ودست فروشان درآیند .

باوجود تمام این عوامل ، بارشد وتکامل جبری صنایـع د ر کشـور وکمك های اقتصادی وفنی‌کشورهای صلحدوست بخصوص اتحاد شوروی نقش پرولتاریا از نظر کمی و کیفی درحیات اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد. علی رغم اینکه از پیدایش کارگر صنعتی‌بمثابه‌یك طبقه‌درکشور بیش از چند سال محدود نمیگذرد وتاریخ آن کوتاه (یـك نسل) است اما طبقه کارگر جوان ما نقش خلاق وآفرینندهٔ خودرا در تولید نعم مادی (ص ٤)

(ازص ۲)

پرابلمهای حیاتی راه رشد..

جدید بست که‌بر مشکلات سابق مردم علاوه میشود .

زراعت که بیش از نصف عا یـد ملی این‌کشور ها را تشکیل مید هد درحال رکود است. ملاکین بزرگ سود خوا ران ومحتکر ین بر زراعت کنترول دارند و بخشهای و سیع دهقا نان روز تا روز فقیر تر شده میر وند .

خلقهای کشور های نوبه آزادی رسیده برای آن دست بسلاح نزدندکه برای ما لیان درازی رنج استثمـار سرمایه داری وفقر را تحمل کنند .

آنها نمیخو هند راه «تشبث آزاد» دول غربی را که‌منجر به تجمع‌ثروت دریك قطب‌وفقردرقطب دیگرمیگردد تعقیب کنند . خلقهـای ز حمتکش کشور های روبه انکشاف در حالت یك حرکت اجتماعی استند . آنهـا میخواهند درکوتا هترین زمان‌ممکن از عقب ماندگی وفقر نجات یابندودر راه اهداف دمو کرا تیك انقلا بهای آزاد یبخش‌ملی مبارزه میکنند ،واین مبارزه آنها شعور سیاسی بخشهای وسیع مردم را رشد میدهد .

آنها اصرار دارند که‌در حکومتهای کشور ها یشان اشتراك ورزنـد ومیخواهند تجر به رشد اقتصادی و فرهنگی کشور های‌سوسیالستی‌رادر ساختمان حیات‌ملی‌شان مورداستفاده قرار دهند . جر یان انقلابی شد ن بخشهای و سیع مردم عمیقتر‌میشود، سازمان آنها اصلاح ونفوذ نیروهای دمو کرتیك بیشتر میشود .

از ینجاست که‌امکا ن راه ر شد غیر سر مایه داری کشور های جوان در شرایط عینی خود آنها مضمراست.

معهذا صرف آگا هی کشورهای جوان که سر مایه داری نمیتوانند پرا بلمهای حیاتی آنها را حل کند، بطور خود بخودی این کشور ها را در مجرای رشد سو سیا لستی قرار نخواهـد داد . شـواهد فـر وان تـا ر یـخـی مـو جـو د است که غالباً پرابلمهای یك کشور لاینحل میماند ولو مقدمات عینی‌برای انتقال بیك نظام نوین قبلا نضـج یافته باشد .

انتقال براه رشد غیر سر مایه داری بطور خود بخودی صـورت نمیگیرد، بلکه‌مستلزم فعالیت آگاهانه وازادی نیرو های دمو کراتیـك ترقیخواه هر کشور میبا شد.انتقال براه رشد غیرسر مایه‌داری ازطریق مبارزه طبقه کارگر، مبارزه تو ده‌ها وجنبش دمو کرا تیك همگا نی تامین میگردد وبمصا لح اکثریت مطلـق هر ملت مطا بقت دارد .

در کشورها ی جوان مبارزه حاد طبقا تی پیرا مون پرا بلم انکشاف بیشتر در جر یان است . اصلا آ ن عده از سیا ستمدا ران دو لت های جوان که در اثنای مبارزه آزادیبخش منکی به پشتیبانی بخشهای وسیع مردم بودند اکنون در یك دو را هی قرار دارند که: باسر مایه خصوصی آزادی داشته باشدکه هرچه بخواهد بکند (لسه‌فیر)، درآنصورت هیچ‌یك از خـوا ستهـای مـر دم بر آورده نخواهد شد ، ویا انقلاب دموکراتیك ملی در جهت یك انقلاب اجتماعی رشد وتکا مل خوا هد نمود .

در بسیاری از کشور های جوان وضع مو جود تا اکنون اجازه‌نمیدهد که گذار بسا ختما ن سو سیا لیزم صورت گیرد . در حا لیکه رشـد سر ما یه داری نـیز هیچ یـك ا ز پرابلمها یشا نـرا حل نـمیکنند .

رهبران این کشور ها باین نتیجه میرسند که ترقی ممکن نیست، مگر اینکه خلقهایشانرا درراه رشدغیرـ سر مایه داری رهبری کنند .

امکان واقعبینا نه گذار براه‌رشد غیر سر مایه داری در زمانی بـرای کشور های جوان بو جود آمده است که :

ـ سیستم استعماری امپر یالیزم زیر ضر بات جنبش آزا دیبخش ملی سقوط نموده است وخلقها ی تحت ستم ویا یمال شده دیـروز بحیات جدید‌بدچشم گشوده ودرجریان تاریخی امروز فعالانه سهم میگیرند.

ـ خلقهای که استقلال ملی خودرا بدست آورده اند در جستجوی طرق ووسایل رشد اجتماعی یی میباشند که‌در آن هیچ شکلی از استثـمار مو جود نباشد .

ـ خلقهای نوبه آزادی رسیـده شاهد رقا بت دو سیستم اجتما عی وا قتصا دی (سو سیا لیزم وسرمایه داری) میبا شند وباین صورت در میبابند که بهترین راه برای از بین بردن عقب ما ندگی سالیان دراز و بهبود شرایط زندگی راه رشدغیرـ سر مایه دار یست .

ـ سو سیا لیزم بیك عامل قا طع انکشاف جامعه بشری‌تبدیل می‌شود ودر عرصه بینا لمللی بر تـری نیرو های سو سیا لیزم برنیروهای سر مایه داری بیش از پیش آشکار میشود .

در ین شرا یط است که کشور های جوان بخوبی میتوا نند در راه رشد غیر سر مایه داری گام نهند .

(باقیدارد)

اقتصادی تعریفونه او اصطلاحات

ماخذ : د علم اقتصاد رسا له

پښتو:

دکار وسایل : هرهغه شی چه انسان دهغه په مرسته دکار پـه محصول یا مور د کی تصرف کـو ی او هغه ته تغییر ورکوی دکار وسیله ده .

کله چه دکار وسایل یادوو باید په لومړی مرحله کی دتولیدداوتو یا افزارو نوم یادکړو . مگر با یـد هېر نشی چه ځمکه ، هغه ودانی‌چه دتولید لپاره په‌کار لوېږی، واټونه، کاریزونه او قنـوات ، کانالـونه ، انبارونه او نور په خپل وار دکـار وسایل دی .

دتولید افزار : دکاردټولو وسایلو په مینځ کی قاطع (پړ بکړ ونی) او عمده رول ادوات یا دتو لید افـزار اداکو ی . دتولید افزار دکار لـه هغو وسایلو خخه دی چه د انسان په اصلی او مستقیمه‌توګه‌پخپل‌تولیدی کارکی له هغوی خخه استفاده کوی.

بنا پر دی له هغو ډېر پنوادوا تونه چه دبشر لمړنیو قومونـو استفاده ورخخه کوله داو سنی پیړی تر ډیرو نویو ما شینو نو پوری په دی‌تعریف کی شامل دی.

په هره اندازه چه په ټولنه کـی دتولید افزا رو زیاد تکا مل کـړ ی وی په هماغه اندازه دټولنی قد رت نسبت طبیعت ته زیات او تـولید زیات مترقی او زیات متکا مل و ی بنا پردي دتولیدی افزارو د تکا مل سطح پر طبیعت باندی داجتماع د قدرت اندازه ښیی او دا دټولنـی دپرمختګ او دتو لیدتکا مل‌ددرجي معیار دی . په همدی سبب هغه خه چه مختلفی اقتصادی دوري یو لـه بل‌نه جلاکوی اومشخصوی یی‌عبارت له هغو غوښتنو یا مادی مالو نو نـه ندی‌چه پدی دورو کی به تولیدېدل بلکه ددي دورویوله‌بل نه‌مشخصونکی د دي غـو ښتنو یـا ما د ی مالونو د تو لید نحوه (خرنگوالی) او دهغو تولیدی افزارو نوع ده چه دهمدي منظور لپاره به‌کار لویدل .

مثلا کله چه بشر په کر هنه پیل کړیدی او د فایده منو نباتاتو او غلو انواع‌یی‌بیزندلی‌دی نو غنم، اور بشی او داسی نوری غلې‌یی تولیدکړیدی. بدیهی خبره ده‌هغه غنم یا او ر بشی چه په بردگی‌دوران یا فیودالی‌دوران کی تولیدېدل د ماهیت له نظره لـه هغو غنمو او اوربشو سره چـه د سرمایه داری او یا سو سیالیستی ټولنی په موده کی تولیدکېږی توپیر نلری . بنا پردي واضح ده چه ددي دوو محصولو مقایسه په بیلو زمانو کی نشی کـو لای هغه تـحولات او تغیرات وښیی چه دټولنی په تو لید کی راغلی دی . مگر په عکس سپاره او لورله یوې خوا تراکتوراو کمباین له بلی خوا هریو دتو لیدی تحو ل د پاکلیو دورو نماینده دی او پرطبیعت باندی داجتماع د قدرت اندازه او د تولید دپرمختګ او تکا مل اندا زه‌ښیی .

دری

وسایل کار: عبارت ازهرچیزیست که بکمك انسان روی مـورد یـامحمول کارخود تصرف میکند وآنراتغییر میدهد . هنگامیکه ازوسایل کار یاد میکنیم باید درمرحله اول ازادوات یاافزار تولید نام ببریم ولی نبایـد فراموش کرد که زمین ، ساختمانهاـ ئیکه‌برای تولید بکار میروند، جاده‌ها کاریزها، قنوات ،کانالها و غیره‌نیزبه نوبه خود وسایل کاراند .

افزار تولید: بین کلیه و سایل کار نقش قاطع وعمده را ادوات یا افزار تولید ایفاءمیکند.افزار تولیدعبارت‌از آن وسایل کار ی است کـه انسان بطور اصلی ومستقیم‌درکار تولیدی‌خود مورد استفاده قرارمیدهد . بنا برین ازادوات سنگی مورد استفاده اقـوام اولیه بشری گـرفته تاجدید تر یـن ما شینهای عصر کنو نی‌مشمول این تعریف میگردند .

هر قدر در جامعه افزار تولید بیشتر تکامل یافته باشد، به همان بیشتر وتولید مترقی تربوده‌و تکامل یافته تر است .

بنابرین سطح تکامل افزار تو لید نشان دهنده میزان قدرت ا جتماع بر طبیعت ومعیار درجه پیشر فـت جا معه در تکا مـل تولیـد است ، بهمین سبب آنچه که دورانـهای مختلف اقتصادی رااز یکد یگر جدا ومشخص میسازد عبارت‌از خواستهـ های مادی یا اموال نیست که در این ادوار تولید میشدند، بلکه مشخص این دورانها از یکدیگر نحوهٔ تو لید این خواستنه ها یا اموال ونوع افزار تولیدی است که بدینمنظور بـکـار می‌افتیده است .

مثلا از هنگامیکه بشر به زراعت دست زده است وانواع نباتات‌وغلهـ جات مفید را شنا خته گندم ،جـو وغله جات دیگری نظیر اینها تو لید نموده است. بدیهی است گـندم و جوئیکه در دوران بر دگی یا دردو ران فیو دالی به وجود می آمده از نظر ما هیت با گندم یا جو ئیکه د ر دوران سر مایه داری یا جامعـهٔ سو سیالیستی تولید میشود فر قی ندارد ، بنا برین واضح است کـه مقا یسه این دو محصو ل دراز منه مختلف نمیتواند تغییرات و تحو لاتی راکه در تو لید جا معه بعمل آمـد ه است، نشان دهد .

ولی برعکس گاو آهن وداس از یکطرف وتراکتور وکمباین از طرف دیگر هر کدام نماینده دورانهای معینی از تحو ل تولید است ومیزا ن قدرت اجتماع بر طبیعت ودرجـه پشرفت وتکا مل وتو لید را نشا ن مید هد .

از طریق مرکز رهبری مبارزه یعنی جرگه رزمندگان پیشآهنگ (سازمان سیاسی) زحمتکشان کشور به‌پیروزی میا نجامد .

با حفظ این امرکه باید در مد تی تاحد امکان هرچه کو تاهتر طرق‌نیل به پیروزی قطعی پیموده‌شو د ،بخاطر باید داشت‌کسا نیکه دربن راه‌بازهم طولا نی، والا ونجیب مبارزه نجات بخش با مهگذارند، نبا ید شکیب وتحمل رااز دست‌بدهندوسر سختی، خشو نت وحملات‌بی رحمانه دشمنان یعنی مر تجعین ، مستبدین ومتنفذین ونیروها ی محافظه کار، بیچیدگـی ذاتی مبارزه ، پیچ وخم ، نشیـب و فراز، مد و جزر، شکست‌وناکامی، حوا دث وتصادفات مساعد ونامساعد را از یاد ببرند ودر برابر آن ازخود با استو اری نشان دهـند . چـه تجربه مبارزات نشان داده است که‌راه حرکت بسوی ترقی وتکامل جامعه، هموار،بی‌خطر وسهل وروان‌نیست. در جریان مبارزه وکار برای ایجاد تحو لات کیفی (نظام نوین اجتماعی) در کشور مشکلات عظیمی وجوددارد که از همه او لتر مشکلات ناشی از مقا ومت نیروی سر سخت «سنـن وعا دات نا پسندیده» اجتماعی است که‌ده هاقرن وجود امتیا زات‌طبقاتی، مرض های جسمی وروحی، فقـر وجهل وفرد پرستی باعث تسلط‌آنها در جامعه ملی ما گردیده اسـ ت.ودر برابر هرگونه‌جریانات نوعکس‌العمل شدیدی نشان میدهد .

برخی ها گمان میکنند که براساس دستور واحکام پیشوائی میتوان‌جهان رادر یك لحظه دگر گون و«انقلاب درتمدن وفر هنگ »را پیروزساخت ودر دوران کو تاهی نظام جدید رادر جای نظام کهنه قرار داد . این طرز تفکر انحرافی بر مبنای اصالت‌اراده فردی (ولنتا ریستی) استوار بو ده مولود ذهنگیری میباشدکه در نتیجه مبارزه رابه گمر اهی سوق میدهد، لذا باید شرایط ، جر یان تکامل ومراحل مبارزه رادر نظر گرفت !

(ازص ۲)

پیگیری ودلیری درمبارزه...

مشکل دیگری در مبارزه عبارت است از پیچیده بودن ومتضادبودن جریان حر کت تاریخ ودشوا ری رهبری وپیشبینی‌اشتبا هات‌وشکستها که‌در جر یان‌مبارزه رخ میدهدوغالبا ناشی از عدم تجربه ودرك نادرست از پدیده های اجتماعی وانطباق‌خلاق تئوری باعمل جامعه وعدم تشخیص در ست تناسب منطقی (دیالکتیکی) میان دوقطب‌متقابل‌ومتضاد درمراحل مختلف مبا رزه وتکامل میباشد .

در ینصو رت لازم است که تناسب صحیح بین دو قطب متقابل مبارزه بادرك آ نکه کدا م قطب عمده است بدون اینکه قطب مقابل آن از نظر اندا خته شود ویااز تـأثیر بیفتد تشخیص گر دد .

موجز اینکه: دیا لکتیك جر یا ن تاریخ ومبا رزه رهایی بخش چو ن پیچیده ، دشوار است ، بنابران با پیگیری ، هو شیا ری و د لیری د ر مبارزه ، تحلیل دقیق و ضع مشخص جامعه بر اساس اسلوب علمی‌تفکر، انتقال بمو قع از یك قطب به قطب دیگر مبا رزه ودر نظر گر فتن تمام اصول وموا زین مبا رزه اجتماعی وفن ساز ماند هی وقواعد رهبری علمی ودر نظر گر فتن صورت هـا واشکال مختلف مبارزه مطا بق بـه شرایط میتوان به پیروزی نایل‌آمد.

به در ستی به پیش رفت وآینده راتا حدودی پیشبینی‌کردو نهضت‌وجنبش وجا معه را رهبری نمود. البته ایـن امر یست فوق العاده مشکل وبغرنج که شکیب میخوا هد وشتاب ،نرمش میخوا هد وقا طعیت ، جسـارت ودلیری‌میخواهدوهوشیاری‌وا حتیاط، نرصد میخوا هد وتعر ض، پیشروی میخو اهد وعقب نشینی .... بدینتر تیب هر گاه «هدف درست باشد، سازمان‌محکم، رهبری‌صحیح، مبارزه سنجیده وپیگیر واز حوادث بدرستی عبرت‌اندوزی شود در طو ل مدت پیرو زی حتمی است ».

تجر به نشان مید هد که تنهـا مبا رزان باو قف در راه خلق ووطن در راه جهان بینی علمی وبری از اغراض شخصی وخود پـر ستی ، خو نسردوهو شیار، متکی به‌وجدان علمی وا جتما عی میتوانند در جریان مرا حل مختلف مبا رزه تا کـتیـك درست ، اشکال صحیح ساز مـان وکار ، جهت درست ومنطقی مبارزه رادر یافت کنندووسایل را جسورانه طرح نمایندوخود ودیگران رابجهت هدف رهنمون باشند ..... چنیـن کسان مبارزین واقعی کشور اند،نه عناصر یکه روی مو قف شخصـی واندیشه های ذهنگیری وولنتاریستی توام بابی اعتنایی‌دربرابر خلق‌ووطن وقضاوت تاریخ بر خورد مینمایند.

در ینجا ست که‌باا ستفا ده ازتجارب درد ناك واحیا نا شیر رین ا سلا ف قهر مان خود وبا اعتقاد وعشق بـه هدفهای عالیه خودنباید ازدشواریـ ها هراسید وباید پیگیرانه بمبارزه مقدس آزا دیبخش‌ملی ورهایی بخش خلق وطن خود ادامه داد وبا‌ایمان استوار واراده قوی وشکست‌ناپذیر ودرك رو شن به‌پیش رفت ودربرابر خطرات جسو رانه ، مستقیم وبیباك نگر یست وهو شیا رانه سنجیدکه چه‌نیرو هایی در اردو گاه دشمن یعنی ستمگران وچه نیرو ها یی در اردو گاه‌خلق‌یعنی‌دوستان قراردارد.

«جنبش نه بیش میر ود ، بسط می یابد ونمو میکند. وظا یفی هم که در برابر ما قرار میگیرد افزایش می یابد ، دامنه وعمق مبارزه‌گسترش می یابد»

(کارمل)